

توجیه هومیوپاتی با فیزیک کوانتوم

هومیوپات‌ها خبر از مؤثر بودن داروهای هومیوپاتی می‌دهند، اما تأثیر این داروها در پزشکی بسیار بحث‌برانگیز است، چون آنها تا حدی رقیق می‌شوند که نهایتاً ماده مورد نظر برای مقابله با بیماری در آنها وجود ندارد.



جام جم آنلاین: هومیوپات‌ها خبر از مؤثر بودن داروهای هومیوپاتی می‌دهند، اما تأثیر این داروها در پزشکی بسیار بحث‌برانگیز است، چون آنها تا حدی رقیق می‌شوند که نهایتاً ماده مورد نظر برای مقابله با بیماری در آنها وجود ندارد. به گزارش جام جم آنلاین به نقل از دویچه وله، بیش از ۲۰۰ سال پیش ساموئل هانمان (Samuel Hahnemann)، نویسنده و پزشک آلمانی هومیوپاتی را کشف کرد. فلسفه هومیوپاتی که همسان‌درمانی نیز نامیده می‌شود بر این پایه است که علایم یک بیماری نشانه‌ای از تلاش بدن برای غلبه بر بیماری است. بنابراین در هومیوپاتی هر ماده‌ای که در بدن سالم یک سری نشانه‌های بیماری را ایجاد کند، در مقادیر کم در صورت تجویز به فرد بیمار با همان علایم بیماری، وی را درمان خواهد کرد.

اما این روش درمانی از همان زمان در علم پزشکی بسیار بحث‌برانگیز بوده است. یکی از نکته‌هایی که در مورد این طب تکمیلی از لحاظ علمی قابل توجیه نیست، نحوه آماده‌سازی و محتوای نهایی داروهای هومیوپاتی است. این داروها با رقیق‌شدن‌های توأم با تکان‌دادن منظم ظرف حاوی دارو تهیه می‌شود. این عمل یعنی رقیق کردن متوالی همراه با تکان‌های شدید را توان‌دار کردن می‌نامند.

در این شیوه آماده‌سازی دارو در نهایت مقدار ماده بنیادی در دارو بسیار ناچیز است و حتی در بیشتر موارد به دلیل رقیق‌کردن پی‌درپی ماده دیگر چیزی از ماده بنیادی در دارو باقی نمی‌ماند. به همین دلیل بسیاری از منتقدین هومیوپاتی معتقدند که این روش درمانی پایه علمی ندارد.

تلاش برای اثبات تأثیرگذاری داروهای هومیپاتی با فیزیک کوانتوم

برخی از پزشکان و روانشناسانی که دیدی مثبت به هومیوپاتی دارند، سعی کرده‌اند که با استفاده از فیزیک کوانتومی تأثیرگذاری داروهای هومیوپاتی را ثابت کنند. آنها اعتقاد دارند که تواتر یا فرکانس الکترومغناطیسی خاص ماده بنیادی به‌رغم فرآیند رقیق کردن در داروی هومیوپاتی باقی می‌ماند.

فیزیکدانان در چندین پژوهش منحصربه‌فرد واقعاً موفق شده‌اند که خصوصیات یک ذره بنیادی را به دیگری منتقل کنند، به طوری که اتم‌های این ذرات در واقع درهم ادغام شوند.

هارالد والاخ (Harald Walach)، روانشناس آلمانی از دانشگاه ویادرینا (Viadrina) در فرانکفورت این نظریه را به هومیوپاتی تعمیم داده است. بنا بر عقیده او این امکان وجود دارد که خصوصیات یک ماده به حلال منتقل شود و در آن بماند، حتی زمانی که دیگر ملکولی از این ماده در حلال وجود نداشته باشد.

بکاربردن نام دانشمندان برای حمایت از همسان‌درمانی

بسیاری از طرفداران هومیوپاتی برای جدی‌تر جلوه دادن این روش درمانی از گفته‌های آنتون تسایلینگر (Anton Zeilinger)، فیزیکدان اتریشی در دانشگاه وین سود می‌جویند. او یکی از فیزیکدانانی است که موفق شده خصوصیات یک ذره بنیادی را به دیگری منتقل کند.

اما نکته‌ای که تمام این افراد از آن غافل مانده‌اند این است که هیچگاه نظر شخصی تسایلینگر را در این زمینه نپرسیده‌اند. او در گفتگو با سایت خبری "زوددویچه" گفته: "اینکه میان کار من و هومیوپاتی ارتباطی دیده می‌شود از لحاظ علمی بی‌اساس است. متأسفم که در توجیه این روش درمانی از نام من استفاده می‌شود."

کارشناسی دیگر که نامش برای بخشیدن وجهه علمی به هومیوپاتی استفاده می‌شود کلاوس لینده (Klaus Linde) پزشک آلمانی، از دانشگاه مونیخ است. او در سال ۱۹۹۷ پژوهش‌های مختلفی که در زمینه تأثیرگذاری هومیوپاتی صورت گرفته بودند را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که تأثیر هومیوپاتی در مقابله با بیماری تنها محدود به تأثیری که به شبه‌داروها (Placebo) نسبت داده می‌شود نیست.

از آن پس نتایج این بررسی در موقعیت‌های مختلف از سوی طرفداران هومیوپاتی به عنوان مدرکی برای اثبات تأثیرگذاری این روش ارائه می‌شود.

اما کلاوس لینده در سال ۲۰۰۵ به مجله لانست (Lancet) گفت: «#171؛ متأسفانه بررسی ما در این زمینه از جانب هومیوپات‌ها مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد. ما غیرموجه بودن هومیوپاتی از لحاظ علمی را تأیید می‌کنیم»؛ اما او در عین حال معتقد است که با توجه به نتایج مثبتی که در درمان بیماری‌های مختلف توسط هومیوپاتی گزارش شده است نمی‌تواند تأثیرگذاری این روش را به طور کامل غیرممکن بداند.

تأثیر بی‌نظیر وقت گذاشتن و گوش دادن به بیمار

بسیاری از پزشکان احتمال می‌دهند که هومیوپاتی تأثیری فرای تأثیر شبه‌داروها داشته باشد. به نظر کلاوس لینده مجموعه عوامل بکار برده شده در یک دوره درمانی هومیوپاتی برای بهبود بیمار تأثیرگذار است. پرداختن همه‌جانبه به وضعیت جسمی و روحی بیمار یکی از دلایل موفقیت دوره درمانی هومیوپاتی است.

پزشکان هومیوپات معمولاً زمان بیشتری را نسبت به پزشکان دیگر برای بیمار در نظر می‌گیرند. همین وقت گذاشتن و گوش‌دادن به حرف‌های بیمار در بهبودی او می‌تواند تأثیر بسزائی بگذارد.

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که آیا بهتر نیست که داروهای هومیوپاتی که تقریباً هیچ ماده بنیادی در آنها وجود ندارد را کنار گذاشت و در عوض همه پزشکان تلاش کنند توجه بیشتری به بیمارانشان کنند و زمان بیشتری برای گفتگو با آنها در نظر بگیرند؟

اما بایستی به این نکته نیز توجه داشت که بسیاری از افراد که برای درمان ناراحتی‌های خود به پزشک هومیوپات مراجعه کرده‌اند، معتقدند که داروهای هومیوپاتی برای آنها مؤثر بوده است.

کلاوس لینده قصد دارد ارتباط بهبودی بیماران را با سبک برخورد شکیبانه پزشکان هومیوپات و داروهای هومیوپاتی مورد بررسی قرار دهد. اما او برای انجام چنین پژوهشی به پول و همکاری بیماران احتیاج دارد.